



مطالعه نمونه‌های سفالین دوران اسلامی شهر تاریخی ناتل

I هانیه حسین‌نیا امیرکلانی^I

II سیدرسول موسوی حاجی

III مرتضی عطایی

IV عبدالرضا مهاجری نژاد

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۹۹ - ۸۵
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۱
شناسه دیجیتال (DOI): 10.30699/PJAS.4.14.85

چکیده

محوطه باستانی ناتل در روستای ناتل کنار علیا از توابع شهرستان نور و به فاصله شش کیلومتری جنوب‌غربی آن در غرب استان مازندران قرار گرفته است. به دلیل اهمیت این محوطه تاریخی، علاوه بر بررسی‌های باستان‌شناسی انجام شده، تاکنون سه فصل کاوش در سال‌های ۱۳۸۷، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۵ ه.ش. در این محوطه به انجام رسیده است. پژوهش حاضر بر بخشی از یافته‌های سفالی فصول اول و دوم این کاوش که در اختیار نگارنده قرار گرفته بود، متمرکز است که تعداد ۲۱۶۶ قطعه سفال لعاب‌دار و بدون لعاب را شامل می‌شود. گاه‌نگاری نمونه‌های مذکور و به تبع آن آگاهی دقیق‌تر از دوره‌های استقرار محوطه، شناخت هرچه بهتر و بیشتر سفال این محوطه به طور اخص و سفال دوران اسلامی مناطق حاشیه جنوبی دریای مازندران به طور اعم، و آگاهی از میزان مشابهت و تفاوت سفال‌های به دست آمده از این محوطه با مراکز عمده سفالگری دوران اسلامی نیازمند مطالعه دقیق و همه‌جانبه این نمونه‌ها در قالب طبقه‌بندی، گونه‌شناسی و مقایسه تطبیقی بود که در قالب این پژوهش برای پاسخ به پرسش‌هایی نظیر: سفال‌های مکشوف از فصول اول و دوم کاوش در محوطه تاریخی ناتل، به چه دوره یا دوره‌هایی تعلق دارند؟ و سفال‌های مکشوف از شهر تاریخی ناتل، از نظر کیفیت ساخت و تزئینات در مقایسه با مراکز عمده سفالگری ایران در دوران اسلامی از چه وضعیتی برخوردارند؟ به انجام رسید. پژوهش حاضر، براساس هدف از نوع تحقیقات بنیادی و براساس ماهیت و روش از نوع تحقیقات تاریخی و نیز توصیفی-تحلیلی است که در آن موضوع مورد بحث با استفاده از منابع مکتوب و داده‌های باستانی تا حصول نتایج علمی دنبال خواهد شد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که غالب نمونه‌های مورد مطالعه به سده‌های اولیه (۳ و ۴ ه.ق.) و میانی اسلامی (۵ تا ۹ ه.ق.) تعلق دارند، با این توضیح که نمونه‌های دوره ایلخانی و تیموری نسبت به سده‌های پیشین در این مجموعه تعداد کمتری را شامل می‌شود؛ همچنین نتایج مطالعات آماری بر روی سفال‌های شهر تاریخی ناتل حاکی از آن است که این سفالینه‌ها از کیفیت ساخت و استحکام نسبتاً خوبی برخوردار بوده، اما به لحاظ شیوه ساخت و تنوع نقوش از سطح پایین تری برخوردار است.

کلیدواژگان: ناتل، سفال دوران اسلامی، طبقه‌بندی سفال، گونه‌شناسی سفال، مقایسه گونه‌شناختی.

I. دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، ایران.

II. استاد گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، ایران (نویسنده مسئول).

seyyed_rasool@yahoo.com

III. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

IV. استادیار پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.

مقدمه

محوطه باستانی ناتل در روستای ناتل کنار علیا از توابع شهرستان نور و به فاصله شش کیلومتری جنوب غربی آن در غرب استان مازندران قرار دارد (تصویر ۱). این محوطه که با پوشش جنگلی و گیاهی انبوه محصور است، از شمال به روستای خوریه، از شرق به روستای سلیاکتی، از سمت غرب به جنگل‌های انبوه و از جنوب به رودخانه تاریخی شمیم‌رود منتهی می‌گردد (مهاجری‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲). با توجه به شواهد، آثار و سازه‌های سطحی برجای مانده و سایر داده‌های تاریخی و تصاویر ماهواره‌ای، وسعت محوطه مورد نظر به حدود ۵۵ هکتار بالغ می‌گردد (مهاجری‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۶). به دلیل اهمیت این محوطه در باستان‌شناسی دوران اسلامی ایران، به ویژه حاشیه جنوبی دریای مازندران، نخستین مطالعات علمی به منظور شناسایی و تعیین موقعیت این شهر در سال ۱۳۸۵ ه.ش. توسط «عبدالرضا مهاجری‌نژاد» در قالب یک فصل بررسی به انجام رسید (مهاجری‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۴۷) و پس از آن در طی سه فصل کاوش در سال‌های ۱۳۸۷، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۵ به سرپرستی ایشان پی گرفته شد (مهاجری‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۳۸۹ و ۱۳۹۵).

در طی فصول اول و دوم کاوش، در کنار دیگر یافته‌ها، تعدادی سفال به دست آمده است که تعداد ۲۱۶۶ قطعه متعلق به فصل اول و دوم کاوش در اختیار نگارندگان قرار گرفته است. به دلیل برخورداری از تنوع و تعدد گونه‌ها و نیز به منظور شناخت هرچه بهتر و بیشتر سفال این محوطه به طور اخص و سفال دوران اسلامی مناطق حاشیه جنوبی دریای مازندران به طور اعم، میزان مشابهت و تفاوت سفال‌های به دست آمده از این محوطه با مراکز عمده سفالگری دوران اسلامی و نیز آگاهی دقیق‌تر از دوره‌های استقرار محوطه، لازم بود تا به دقت مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند. بر این اساس، در پژوهش حاضر تلاش شده است که در قالب ثبت و ضبط، طبقه‌بندی و گونه‌شناسی مجموعه این سفال‌ها (۲۱۴۹ قطعه مربوط به فصل اول و ۶۷ قطعه مربوط به فصل دوم کاوش) به پرسش‌های مطروحه پاسخ داده شود.

پرسش‌ها و فرضیات پژوهش: مهم‌ترین پرسش‌های پژوهش عبارتند از: پرسش اول، سفال‌های مکشوف از فصول اول و دوم کاوش در محوطه تاریخی ناتل، به چه دوره یا دوره‌هایی تعلق دارند؟ پرسش دوم، سفال‌های مکشوف از شهر تاریخی ناتل، از نظر کیفیت ساخت و تزئینات در مقایسه با مراکز عمده سفالگری ایران در دوران اسلامی از چه وضعیتی برخوردارند؟ فرضیه‌ای که در باب پرسش اول مطرح شده بدین شرح است: سفال‌های مکشوف از فصول اول و دوم کاوش در محوطه تاریخی ناتل به سده‌های اولیه اسلامی تا دوره صفوی تعلق دارند؛ و فرض نگارندگان در مورد پرسش دوم با توجه به بازدید اولیه نمونه‌ها این گونه است: کیفیت ساخت سفال‌های ناتل و نیز کیفیت تزئین سفال‌های اسگرافیتو آن همانند مراکز عمده سفالگری ایران بوده است و دیگر سفال‌های مکشوف از ناتل از نظر کیفیت تزئین در مرتبه مطلوب‌تری قرار داشته‌اند.

روش پژوهش: پژوهش حاضر، براساس هدف از نوع تحقیقات بنیادی و براساس ماهیت و روش از نوع تحقیقات تاریخی و نیز توصیفی-تحلیلی است که در آن موضوع مورد بحث با استفاده از منابع مکتوب و داده‌های باستانی تا حصول نتایج علمی دنبال خواهد شد؛ به همین منظور از میان کل مجموعه که به طور کلی شامل ۲۱۶۶ قطعه سفال مکشوف از فصول اول و دوم کاوش بوده، در طی مراحل طبقه‌بندی و گونه‌شناسی تعداد ۲۳۵ نمونه شاخص جهت طراحی و مقایسه‌های گونه‌شناختی انتخاب شد. در مقاله حاضر از میان این نمونه‌ها، ۵۰ عدد گزینش شده و مورد معرفی قرار می‌گیرد.

گاه‌نگاری نسبی گونه‌های مختلف سفالین به دست آمده از فصول اول و دوم کاوش در شهر تاریخی ناتل از اهداف مهم پژوهش حاضر است؛ اما علاوه بر این، در این پژوهش نگارندگان در پی بررسی مسائل دیگری چون شناخت دقیق و عمیق از سفال‌های دوران اسلامی و فرم رایج آن‌ها در محدوده



نقشه ۱. استان مازندران و شهرستان نور و موقعیت قرارگیری محوطه در شهرستان (www.ncc.org.ir).

شمال کشور به خصوص مازندران و محدوده شهر تاریخی ناتل و همچنین بررسی وضعیت تولید سفال در محدوده این شهر و مناطق مرکزی حاشیه جنوب دریای مازندران در دوران اسلامی است.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش حاضر از دو منظر قابل بررسی است؛ نخست، پژوهش‌های باستان‌شناسی است که در شهر تاریخی ناتل انجام شده است. طبق اسناد و مدارک به دست آمده، سابقه پژوهش‌های باستان‌شناسی در این محوطه به سال ۱۳۴۲ ه.ش. و حفاری تجاری در محوطه ناتل بازمی‌گردد (مهاجری‌نژاد، ۱۳۸۷: ۳). نخستین مطالعات علمی به منظور شناسایی و تعیین موقعیت این شهر در سال ۱۳۸۵ ه.ش. توسط عبدالرضا مهاجری‌نژاد در قالب یک فصل بررسی به انجام رسید (مهاجری‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۴۷) و پس از آن در طی سه فصل کاوش در سال‌های ۱۳۸۷، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۵ ه.ش. به سرپرستی ایشان ادامه یافت (مهاجری‌نژاد، ۱۳۸۷؛ ۱۳۸۹ و ۱۳۹۵). بررسی محوطه در سال ۱۳۹۲ ه.ش. به سرپرستی «سارا سقایی» و با هدف مطالعه کیفیت انتقال شهرهای طبرستان از دوران ساسانی به اسلامی نیز دیگر فعالیت میدانی است که در این محوطه به انجام رسیده است و نتایج آن در قالب رساله دکتری ایشان (سقایی، ۱۳۹۳) و نیز در مقاله‌ای دیگر منتشر شده است (مهاجری‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶).

گروه دیگر پژوهش‌ها که با موضوع خاص این پژوهش، یعنی مطالعه نمونه‌های سفالین دوران اسلامی منطقه‌ای خاص قرابت دارند؛ پژوهش‌هایی درباره سفال‌های دوران اسلامی به صورت اعم و سفال‌های اسلامی منطقه یا مناطقی خاص به طور اخص هستند و از لحاظ روش شناسی و نیز مقایسه نمونه‌ها در این پژوهش مورد استفاده قرار خواهند گرفت. تعدد و تکرار این گونه از پژوهش‌ها مرور جملگی آن‌ها را در این مجال ناممکن می‌سازد. در این میان، پژوهش‌هایی که بر سفال‌های محوطه‌های حاشیه جنوبی دریای مازندران متمرکز بوده‌اند در پژوهش حاضر از اهمیتی ویژه برخوردارند که از جمله آن‌ها می‌توان به مطالعه سفالینه‌های محوطه شاه‌نشین شهر تاریخی فریم (تقوی و همکاران، ۱۳۹۵)، تحلیل و گونه‌شناسی سفالینه‌های محوطه شمس آل رسول آمل (عباس‌نژاد و ذال، ۱۳۹۱) و مطالعه گونه‌شناسی و گاه‌نگاری نسبی سفالینه‌های مکشوف از مسجد جامع آمل (تقوی و همکاران، ۱۳۹۲) اشاره کرد.

شهر تاریخی ناتل در منابع تاریخی

کهن‌ترین منبع جغرافیای تاریخی که از شهر «ناتل» نامی به میان آورده است، الاعلاق النفیسه، اثر «ابن رسته» و کتاب البلدان «ابن فقیه همدانی» در قرن چهارم هجری قمری است (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۱۷۶؛ ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۱۴۷). «اصطخری» حدوداً در اواسط قرن چهارم هجری قمری از ناتل به عنوان یکی از شهرهای طبرستان نام برده است و مسافت این شهر را از آمل یک منزل و از سالوس یک منزل سبک بیان کرده است (اصطخری، ۱۳۴۷: ۲۱۶ و ۲۲۳). در تمام منابع بعد از اصطخری نیز ناتل شهری میان آمل و چالوس معرفی شده است که با هر یک از آن‌ها یک منزل فاصله داشته است و از ایضاً در حدود العالم نیز ناتل در کنار چالوس و کلار از کوره رویان و جزئی از خاک طبرستان معرفی شده است که پادشاه آن را سرزمین سوای از طبرستان و مشهور به «استندار» بوده است (مهاجری نژاد و همکاران، ۱۳۹۶). کتاب مرصداطلاع نیز مطالب «یاقوت حموی» را درباره ناتل ذکر کرده است (بغدادی، ۱۹۵۴؛ جزء ثلاث، ۱۳۴۷). در این منابع از ناتل به عنوان شهری آباد نام برده شده که در منطقه ای سرسبز و پرحاصل قرار گرفته است (ابوالفدا، ۱۳۴۹: ۵۰۱؛ دمشقی، ۱۲۸۱: ۲۲۶). در تاریخ رویان نام شهر تاریخی ناتل در قالب شرح وقایع تاریخی به دفعات مطرح شده است (آملی، ۱۳۴۸: ۶۱، ۸۹، ۹۹ و ۱۴۵). تعدد و تکرار ذکر نام این شهر در منابع متأخرتر نیز نشان دهنده اهمیت سیاسی و نظامی آن در منطقه بوده است. در سال ۸۶۸ ه.ق. «ظهیرالدین مرعشی» ناتل را مرکز دشت «رستمدر» معرفی کرده است (مهاجری نژاد و همکاران، ۱۳۹۶). شهر تاریخی ناتل تا اواسط قرن نهم هجری قمری مرکز دولت حکومت پادوسبانیان و پس از آن مرکز پادوسبانیان آل کاووس نور بود (یوسفی، ۱۳۸۵: ۹۶). «ظفری» اشاره کرده است که دوران حکومت پادوسبانیان نور اوج شکوفایی ناتل بوده است و همچنین این نکته حائز اهمیت است که پس از اتمام این حکومت در فاصله سال‌های ۱۰۰۳ تا ۱۰۰۶ ه.ق. در هیچ یک از منابع تاریخی نامی از ناتل نیست؛ یعنی پس از آن، این شهر به انزوا کشیده شده و از میان رفته است (ظفری، ۱۳۷۹: ۷۷ و ۱۱۲).

طبقه بندی، گونه شناسی و مقایسه گونه شناختی نمونه های سفالین محوطه باستانی ناتل
سفال های مجموعه حاضر براساس دو متغیر نوع پوشش و ساده یا منقوش بودن به چهار دسته عمده تقسیم شده اند.

۱. سفال بدون لعاب و ساده

خمیره این گروه از سفالینه ها به رنگ های قرمز، آجری، قرمز آجری و خاکستری است. در این بین تعداد زیادی از آن ها بدون پوشش گلی و تعداد اندکی از پوشش گلی (Slip) برخوردارند. این گروه از سفالینه ها براساس رنگ پوشش یا رویه به رنگ های قرمز، قرمز آجری، خاکستری و نخودی تقسیم می گردد. شاموت آن ها کانی است و غالباً سفال ها از میزان پخت کافی برخوردارند. از آنجایی که مقایسه گونه شناختی در این گروه از طریق مقایسه شکل لبه و فرم ظرف امکان پذیر است، لذا در مقایسه گونه شناختی این دسته از سفالینه ها تنها قطعات لبه مورد مقایسه قرار گرفت. در مقایسه های گونه شناختی این گروه، علاوه بر فرم و لبه ظرف مواردی چون کیفیت ساخت و فشردگی خمیره نیز مورد نظر است و باتوجه به مقایسه های انجام شده این گونه از سفال های موجود در مجموعه متعلق به سده های سوم تا هفتم هجری قمری هستند (جدول ۱).

۲. سفال بدون لعاب و منقوش

این دسته از سفال ها براساس یک متغیر شیوه تزئین به پنج گروه تقسیم می گردد.

جدول ۱. سفال بدون لعاب و ساده (نگارندگان، ۱۳۹۸).

ش. ردیف	ش. طرح	نوع قطعه	قدمت (ه.ق)	ملاک سنجش				مقایسه (محل نگهداری)	مأخذ
				شکل به	نقوش	رنگ	ساخت		
۱	۱	لبه	۶-۷	*	*	*	مازندران (اداره کل میراث‌فرهنگی)	عابدینی عراقی، ۱۳۸۴: لوح ۳، طرح‌های ۵۲۰ و ۵۲۱	
۲	۲	لبه	۳-۵	*	*	*	مازندران (پایگاه فرح‌آباد)	شریفی، ۱۳۹۰: طرح ۷، ص: ۱۴۵	
۳	۳	لبه	۳-۵	*	*	*	گیلان (اداره کل میراث‌فرهنگی)	جهانی، ۱۳۸۶: طرح ۵، ص: ۲۹۳	
۴	۴	لبه	۳-۴	*	*	*	تهران (اداره کل میراث‌فرهنگی)	چوبک، ۱۳۷۶: طرح ۴، ص: ۶۱	

۱.۲ **سفال بدون لعاب با نقش‌کنده:** شیوه نقش‌کنده در سفالگری ایران سابقه طولانی داشته و از ابتدای سفالگری از نقش‌کننده برای تزئین سفالینه استفاده می‌شده است و این شیوه که تا امروز نیز استمرار یافته، در اغلب مراکز سفالگری با شیوه‌های تقریباً یکسان حفظ شده است (کیانی و کریمی، ۱۳۶۴: ۱۱). سفال‌های مکشوف از شهر تاریخی نائل دارای خمیره‌ای به رنگ‌های نخودی، آجری، قرمزآجری، قرمز و خاکستری بوده و تزئینات آن‌ها تماماً هندسی بوده که در سطح بیرونی ظروف نقش بسته است. این نقوش شامل: خطوط متقاطع، موج، دورانی و موازی (دور تا دور ظرف) است. نتایج حاصل از مقایسه‌های گونه‌شناختی، سده‌های سوم تا هفتم هجری قمری را به‌عنوان تاریخ نسبی این‌گونه از سفالینه‌ها نشان می‌دهد (جدول ۲).

جدول ۲. سفال بدون لعاب با نقش‌کنده (نگارندگان، ۱۳۹۸).

ش. ردیف	ش. طرح	نوع قطعه	قدمت (ه.ق)	ملاک سنجش				مقایسه (محل نگهداری)	مأخذ
				شکل به	نقوش	رنگ	ساخت		
۱	۷	لبه	۳-۴ ۶-۷	*	*	*	جرجان، نیشابور	کیانی و کریمی، ۱۳۶۴: طرح ۱، ص: ۱۰ Wilkinson, 1973, 305, pl.41	
۲	۱۶	بدنه	۵-۷ ۳-۷	*	*	*	شمال غرب ایران، سیستان	کیانی و کریمی، ۱۳۶۴: طرح ۱۶، ص: ۲۹ موسوی حاجی و عطایی، ۱۳۸۹: لوح ۱۹ طرح ۵۹، ص: ۲۲۷	
۳	۸	لبه	۶-۷	*	*	*	سیستان	موسوی حاجی و عطایی، ۱۳۸۹: لوح ۱۷، طرح ۴۷، ص: ۲۲۵	

۲.۲ **سفال بدون لعاب با نقش افزوده:** در این گروه پس از ساخته شدن ظروف سفالین، تزئین به صورت مجزا ساخته و به بدنه ظرف متصل می‌شود. این سفال‌ها از خمیره‌ای با رنگ‌های آجری، قرمزآجری و خاکستری تشکیل شده‌اند و تزئینات آن‌ها شامل نقوش هندسی است که از طرح‌های برجسته و نقوش طنابی برخوردارند.

۳.۲ **سفال بدون لعاب با نقش داغدار:** در این نوع تزئین با استفاده از ابزارمانند: استخوان، چوب و یا سنگ، ظروف نوساز و خشک‌نشده را پرداخت می‌کنند. معمولاً هنگامی که ظرف روی چرخ سفالگری می‌چرخد، در اثر تماس با ابزار مورد استفاده، داغدار شده و پس از پخته شدن، اثر داغ روی سفال به‌جا می‌ماند. تزئین با روش داغدار علاوه بر این که سفال را از حالت سادگی و یکنواختی بیرون می‌آورد، باعث استحکام بیشتر آن‌ها نیز می‌شود (مهرآفرین و همکاران، ۱۳۹۲). سفال‌ها در این گونه دارای خمیره‌ای به رنگ‌های آجری، قرمز، قرمزآجری و خاکستری هستند. تزئینات در این دسته، تماماً هندسی بوده و نقوش در بخش بیرونی ظرف نقش بسته‌اند که نقوش موازی به صورت عمودی

و افقی و همین‌طور نقوش مارپیچ را شامل می‌شوند. با توجه به مقایسه‌های انجام‌شده، این‌گونه از سفال‌های موجود در مجموعه متعلق به سده‌های سوم تا هفتم هجری قمری هستند (جدول ۳).

جدول ۳. سفال بدون لعاب با نقش داغدار (نگارندگان، ۱۳۹۸).

ش. ردیف	ش. طرح	نوع قطعه	قدمت (ه.ق)	ملاک سنجش				مقایسه (محل نگهداری)	مأخذ
				ش. تزئین	نقش پایه	ش. نقش	ش. لعاب		
۱	۱۳	لبه	۶-۳	*	*	*	ساری (اداره کل میراث‌فرهنگی)	عابدینی‌عراقی، ۱۳۸۴: لوح ۲، طرح ۴۳۶	
۲	۱۰	لبه	۳-۷	*	*	*	تهران (موزه میراث‌فرهنگی استان)	نعمتی، ۱۳۹۷: فصل اول کاوش محوطه سرقلعه لواسان، طرح ۱۰۱۲	

۴.۲ سفال بدون لعاب با نقش ترکیبی (داغدار-افزوده): این گروه از سفالینه‌ها دارای دو نوع متفاوت تزئین به صورت توأم هستند که نقوش هر دو هندسی بوده و طرح‌های افزوده برجسته و طنابی در یک راستا را همراه با نقوش موازی به صورت عمودی و افقی و همین‌طور نقوش مارپیچ به‌روش داغدار در کنار یکدیگر دارند. نتایج حاصل از مقایسه‌های گونه‌شناختی، سده‌های پنجم و ششم هجری قمری را به‌عنوان تاریخ نسبی این‌گونه از سفالینه‌ها نشان می‌دهد (جدول ۴).

جدول ۴. سفال بدون لعاب با نقش‌کنده-داغدار (نگارندگان، ۱۳۹۸).

ش. ردیف	ش. طرح	نوع قطعه	قدمت (ه.ق)	ملاک سنجش				مقایسه (محل نگهداری)	مأخذ
				ش. تزئین	نقش پایه	ش. نقش	ش. لعاب		
۱	۱۴	بدنه	۷-۵	*	*	*	ساری (اداره کل میراث‌فرهنگی)	شریفی، ۱۳۹۶: فصل دوم گمانه‌زنی محوطه وستمین، طرح ۱۴۷	

۵.۲ سفال بدون لعاب با نقش ترکیبی (داغدار-کنده): در این‌گونه سفالی دو نوع تزئینی متفاوت در کنار یکدیگر مشاهده می‌شوند که هر دو دارای نقوش هندسی بوده و طرح‌هایی نظیر نقوش موازی به صورت عمودی و افقی و همین‌طور نقوش مارپیچ به روش داغدار و خطوط متقاطع، موج، دورانی و موازی (دور تا دور ظرف) را نیز به روش کنده شامل می‌شود. براساس مقایسه‌های انجام‌شده، این‌گونه سفال‌های ناتل به سده‌های پنجم تا هفتم هجری قمری مربوط می‌شوند (جدول ۵).

جدول ۵. سفال بدون لعاب با نقش افزوده-داغدار (نگارندگان، ۱۳۹۸).

ش. ردیف	ش. طرح	نوع قطعه	قدمت (ه.ق)	ملاک سنجش				مقایسه (محل نگهداری)	مأخذ
				ش. تزئین	نقش پایه	ش. نقش	ش. لعاب		
۱	۱۵	بدنه	۶-۵	*	*	*	ساری (اداره کل میراث‌فرهنگی)	عابدینی‌عراقی، ۱۳۸۴: لوح ۱، طرح ۶۳۶ و ۶۳۷	

۳. سفال لعاب‌دار و ساده

این گروه بیشترین تعداد سفال‌های کل مجموعه را شامل شده و از متداول‌ترین نوع سفالینه‌های لعاب‌دار به حساب می‌آیند که ساخت آن در ایران قبل و بعد از اسلام در اغلب مراکز سفالگری رواج

داشته است. استفاده از لعاب تک‌رنگ برای پوشش ظروف سفالین از دوره پیش از تاریخ تقریباً در اواخر هزاره اول پیش از میلاد، مورد توجه قرار می‌گیرد و از دوره هخامنشی کاشی لعاب‌دار و ظروف لعابی به تدریج در عرصه سفالگری ظاهر می‌شوند و در زمان پارتی و ساسانی جهت تکاملی خود را به سرعت طی کرده و تحول چشمگیری پیدا می‌کند. در دوران اسلامی پوشش ظروف با لعاب تک‌رنگ ادامه پیدا کرده است (کیانی و کریمی، ۱۳۶۴: ۳۰)؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت ۴۲٫۳۸٪ از کل مجموعه حاضر متعلق به گروه سفال‌های لعاب‌دار و ساده است. سفالینه‌های لعاب‌دار و ساده مکشوف از شهر تاریخی نائل تماماً دارای خمیره‌ای از جنس گل رس به رنگ‌های آجری، قرمز آجری و خاکستری است و رنگ لعاب آن طیف‌های مختلفی از رنگ‌های سبز (سبزی‌تونی، سبز روشن، سبزلجی و سبزی‌تیره)، کرم‌روشن، قهوه‌ای روشن، زرد خردلی، آبی (آبی روشن و آبی فیروزه‌ای) و سبزی را شامل شده که در این بین تشخیص رنگ لعاب در تعداد اندکی از سفالینه‌ها به دلیل فرسایش بسیار دشوار است که نگارندگان این دسته را نامشخص خوانده‌اند. مقایسه‌های گونه‌شناختی سده‌های ششم و هفتم هجری قمری را به عنوان تاریخ نسبی سفالینه‌های لعاب‌دار و ساده نائل نشان می‌دهد (جداول ۶، ۷ و ۸).

جدول ۶. سفال ساده با لعاب تک‌رنگ آبی (نگارندگان، ۱۳۹۸).

ش. ردیف	ش. طرح	نوع قطعه	قدمت (ه.ق.)	ملاک سنجش				مقایسه (محل نگهداری)	مأخذ
				سادگی	داشتن لعاب	رنگ لعاب	نوع خمیره		
۱	۲۰	پایه	۶-۷	*	*	*	*	سیستان	موسوی‌حاجی و عطایی، ۱۳۸۹: لوح ۳۱، طرح ۲۵، ص: ۲۳۹

جدول ۷. سفال ساده با لعاب تک‌رنگ سبز روشن (نگارندگان، ۱۳۹۸).

ش. ردیف	ش. طرح	نوع قطعه	قدمت (ه.ق.)	ملاک سنجش				مقایسه (محل نگهداری)	مأخذ
				سادگی	داشتن لعاب	رنگ لعاب	نوع خمیره		
۱	۱۷	لبه	۶-۷	*	*	*	*	سیستان میراث فرهنگی استان مازندران	موسوی‌حاجی و عطایی، ۱۳۸۹: لوح ۳۰، طرح ۲۵، ص: ۲۳۸ عابدینی عراقی، ۱۳۸۴: کاوش محوطه لفورک (سوادکوه)، طرح ۴۷۲

جدول ۸. سفال ساده با لعاب تک‌رنگ زرد خردلی (نگارندگان، ۱۳۹۸).

ش. ردیف	ش. طرح	نوع قطعه	قدمت (ه.ق.)	ملاک سنجش				مقایسه (محل نگهداری)	مأخذ
				سادگی	داشتن لعاب	رنگ لعاب	نوع خمیره		
۱	۱۹	پایه	۶-۷	*	*	*	*	سیستان، ایران (طارق رجب)	موسوی‌حاجی و عطایی، : لوح ۲۸، طرح ۱۷، ص: ۲۳۶ Feherveri, 2000: 134, no. 160

۴. سفال لعاب‌دار و منقوش

این گروه از سفال‌ها ۲۶٫۴۰٪ از کل مجموعه را دربر می‌گیرند و به طور کلی از تنوع بالایی در مجموعه برخوردار نیستند. براساس متغیر نوع تزئین به گروه‌های پیش‌رو تقسیم می‌شوند.

۱.۴ نقش‌کننده زیر لعاب تک‌رنگ (اسگرافیاتو): ظروف اسگرافیتو از رایج‌ترین سفال‌های لعاب‌دار و منقوش اسلامی است. اسگرافیتو از کلمه «اسگرافیر ایتالیایی» گرفته شده که به معنای «خراش دادن» است و بر شیوه‌ای در سفالگری اسلامی اطلاق می‌شود که در آن شیء با یک روکش گلی نازک پوشانده می‌شود و سپس طرح بر روی آن، قبل از لعاب اصلی حکاکی می‌شود (آلن، ۱۳۸۳: ۱۶). منشأ شیوه اسگرافیاتو به مصر بازمی‌گردد؛ این شیوه در ظروف قبطی در قرون پنجم تا هفتم میلادی به‌کار می‌رفت، ولی برای اولین بار در سامرا یافت شد (گروبه، ۱۳۸۴: ۱۰۳).

خمیره سفال‌های موجود در این گروه رنگ‌های آجری، قرمز و قرمزآجری را شامل می‌شوند و تزئینات آن نیز دارای نقوش هندسی، گیاهی و ترکیبی از جمله: دایره متحدالمركز، مستطیل، مربع، دایره، لوزی، همچنین خطوط متقاطع و موج، گل‌ها و برگ‌های انتزاعی و غیرواقعی‌گرایانه، نقوش دالبری و گل‌هایی منتهی به قاب دایره‌ای و نقوش گیاهی است که درون آن‌ها با هاشور (خطوط متقاطع) پر شده است، که غالباً درون ظروف ایجاد می‌شوند. گاه‌نگاری مقایسه‌ای، سده‌های پنجم تا هفتم هجری قمری را به‌عنوان تاریخ نسبی تولید این گونه سفالین نشان می‌دهد (جدول ۹ و ۱۰).

جدول ۹. سفال با نقش‌کننده زیر لعاب تک‌رنگ (اسگرافیاتو)، (نگارندگان، ۱۳۹۸).

مآخذ	مقایسه (محل نگهداری)	ملاک سنجش					قدمت (ه.ق)	نوع قطعه	ش. ر.دیف	ش. ر.دیف
		رنگ زمینه	رنگ پایه	طرح نقش	نقش پایه	نوع تزئین				
Feherveri, 2000, 160, no. 205	افغانستان (طارق رجب)	*	*	-	*	*	۷-۶	پایه	۲۱	۱
Watson, 2004, 271, cats. Le. 6	شرق ایران (موزه ملی کویت)	*	*	-	-	*	۶	پایه	۲۳	۲
موسوی حاجی و عطایی، ۱۳۸۹، لوح ۷۰، طرح ۲۱۶، ص: ۲۷۸ Grube, 1994, 310, nos.352, 353	سیستان، شرق ایران (ناصرخلیلی)	-	*	-	*	*	۷-۶	بدنه	۲۶	۳
Grube, 1994, 294, 317, nos.339, 372.	بامیان (ناصرخلیلی)	*	*	-	*	*	۷-۶	بدنه	۲۸	۴

جدول ۱۰. سفال با نقوش هاشورزده زیر لعاب تک‌رنگ (اسگرافیاتو)، (نگارندگان، ۱۳۹۸).

مآخذ	مقایسه (محل نگهداری)	ملاک سنجش					قدمت (ه.ق)	نوع قطعه	ش. ر.دیف	ش. ر.دیف
		رنگ زمینه	رنگ پایه	طرح نقش	نقش پایه	نوع تزئین				
Watson, 2004, 270, cats. Le. 5	افغانستان	*	*	-	-	*	۷-۶	بدنه	۲۷	۱

۲.۴ سفال با نقاشی زیر لعاب: این دسته از سفال‌ها براساس متغیرها به دو گروه تقسیم می‌گردد.

۱.۲.۴ سفال با نقش سیاه زیر لعاب آبی فیروزه‌ای (قلم مشکی): در قرن ششم و هفتم هجری قمری نقاشی زیر لعاب معمولاً به رنگ مشکی زیر لعاب فیروزه‌ای مرسوم بود که این شیوه را «فیروزه قلم مشکی» نیز نامیده‌اند (توحیدی، ۱۳۹۲: ۲۷۱). مراکزی که عموماً در این شیوه تولیداتی را عرضه داشته‌اند عبارتند از: جرجان، نیشابور، سمرقند، آمل و ساری (کامبخش فرد، ۱۳۸۰: ۴۶۹). در میان سفالینه‌های به‌دست آمده از شهر تاریخی ناتل تعداد ۲۳ قطعه سفال موسوم به فیروزه قلم مشکی به‌دست آمده که از این تعداد ۱۱ قطعه از خمیرسنگ و مابقی از گل رس ساخته شده است؛ بدین‌گونه که نقوش به‌رنگ سیاه مستقیم بر روی بدنه ظرف ترسیم شده و پس از آن سفال

را با لعاب شفاف به رنگ فیروزه‌ای می‌پوشانند. به دلیل کوچک بودن قطعات و آسیب زیادی که به این قطعات وارد شده در تعدادی از آن‌ها نوع نقش قابل شناسایی نیست، اما آن دسته از قطعاتی که قابل تشخیص بودند دارای نقوش گیاهی نظیر برگ‌ها گل‌ها و پیچک هستند. گرچه تولید این گونه سفالی در قرون ششم و هفتم هجری قمری مرسوم بوده است، اما به این معنا نیست که در قرون بعدی ساخت این سفال متوقف شده باشد. این گونه سفالی در قرن هشتم هجری قمری نیز ساخته می‌شده، اما نه به آن وسعتی که در قرون شش و هفت رایج بوده است. طبق مقایسه‌های انجام شده، این قطعات سفالینه موسوم به فیروزه قلم‌مشکی که در مجموعه حاضر قرار دارند، حدوداً مربوط به قرون شش تا هشتم هجری قمری است (جدول ۱۱).

جدول ۱۱. سفال با نقش سیاه زیر لعاب آبی فیروزه‌ای (قلم‌مشکی)، (نگارندگان، ۱۳۹۸).

مآخذ	مقایسه (محل نگهداری)	ملاک سنجش					قدمت (ه.ق)	نوع قطعه	شماره ثبت	شماره ردف
		رنگ زمینه	رنگ بدنه	طرح نقش	نقش زمینه	فرم بدنه				
Watson, 2004, 343. Cat, N13, LNS 178 C. کامبخش فرد، ۱۳۷۹، تصویر رنگی ۱۹۹	ایران، موزه هنر فوجی	*	*	-	*	*	۷	بدنه	۳۳	۱
موسوی‌حاجی و عطایی، ۱۳۸۹، لوح ۵۸، طرح ۱۴۱، ص: ۲۶۶ Feherveri, 2000, 112, nos. 133 – 135	سیستان، ایران (طارق رجب)	*	*	-	*	*	۷	بدنه	۳۴	۲
Jenkins-madina, 2006, 152, MMA37. Feherveri, 2000, 168, no. 218	رقه (موزه متروپولیتن)، افغانستان (طارق رجب)	*	*	-	-	*	۷-۶ ۶	بدنه	۳۵	۳
صدرایی، ۱۳۸۶: طرح ۹۱۰۰۸، T، ص: ۵۷	سرقله لوسان (موزه میراث فرهنگی تهران)	*	*	-	*	*	۸-۷	بدنه	۳۲	۴

۴. ۲. ۲. سفال با نقاشی زیر لعاب شفاف بی‌رنگ: شیوه نقاشی و تزئین سفالینه در زیر لعاب از اوایل اسلام، به ویژه در قرون سوم و چهارم هجری قمری در مراکز سفال‌سازی شمال و شمال شرقی ایران مرسوم بوده است. در دوران سلجوقی، خوارزمشاهی، ایلخانی و تیموری تحول تازه‌ای در شیوه این نوع ظروف پدید آمد؛ به این ترتیب که سفالگران ادوار یادشده به جای لعاب سرب از لعاب قلیایی برای پوشش و آرایش سفال استفاده کرده‌اند (کیانی و کریمی، ۱۳۶۴: ۳۵). در این شیوه تزئین ابتدا نقش موردنظر بر روی پوشش گلی کشیده می‌شود و سپس روی آن را با لعاب تک‌رنگ شفاف می‌پوشانند. این گروه از سفالینه‌ها دارای خمیره‌ای به رنگ‌های آجری، قرمز آجری و قرمز است. در این گونه‌های سفالی با طیفی از رنگ‌های قهوه‌ای، سبز و زرد خردلی روی پوشش گلی روشن ایجاد می‌شود و در انتها روی آن را با لعاب شفاف بی‌رنگ می‌پوشانند. تزئینات آن نیز دارای نقوش هندسی، گیاهی و ترکیبی از جمله: مستطیل، مربع، دایره، لوزی، همچنین خطوط متقاطع و موج، گل‌ها و برگ‌های انتزاعی و غیرواقعی‌گرایانه، نقوش دالبری و گل‌هایی منتهی به قاب دایره‌ای است؛ نقوش گیاهی و هندسی (مربع و مستطیل) که درون آن‌ها با هاشور (خطوط متقاطع) پر شده نیز مشاهده شده است که غالباً درون ظروف ایجاد می‌شوند. نتایج حاصل از مقایسه‌های گونه‌شناختی، سده‌های چهارم تا نهم هجری قمری را به عنوان تاریخ نسبی این گونه از سفالینه‌ها نشان می‌دهد (جدول ۱۲).

جدول ۱۲. سفال با نقاشی زیرلعاب تک‌رنگ شفاف (نگارندگان، ۱۳۹۸).

شماره ردیف	شماره طرح	نوع قطعه	قیمت (مق)	ملاک سنجش					مآخذ
				رنگ زمینه	رنگ پایه	طرح نقش	نقش مایه	رنگ تزئین	
۱	۳۸	پایه	۶	*	*	-	*	*	Watson, 2004, 287. Cat. Jb3, LNS 995 C b.
۲	۳۹	پایه	۴ ۷	*	*	-	-	*	کیانی و کریمی، ۱۳۶۴، طرح: ۱۴، ص: ۱۲۰ یوسفی، ۱۳۸۶، طرح: ۲۰، ص: ۱۸۳
۳	۴۸	لبه	۸-۶	*	*	-	*	*	خرازی، ۱۳۸۶، طرح: ۳، ص: ۲۹۵.
۴	۴۹	لبه	۸	*	*	-	*	*	مرتضایی، ۱۳۸۶، طرح ۱۵ ص: ۱۷۳
۵	۴۱	پایه	۷	*	*	-	*	*	کیانی و کریمی، ۱۳۶۴، طرح: ۲۲، ص ۳۶

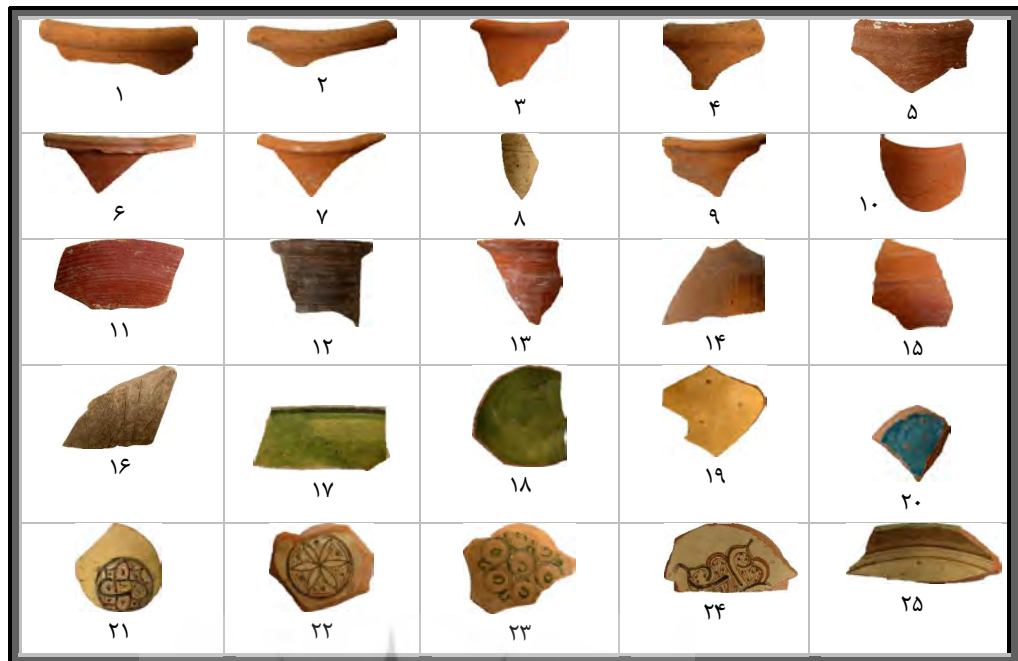
۳.۲.۴ سفال با نقش آبی لاجوردی روی زمینه شیری زیرلعاب شفاف (سفال آبی و سفید): رایج‌ترین تزئین به شیوه نقاشی زیرلعاب، ظروفی است که با رنگ آبی در زمینه سفید نقاشی شده‌اند، شکل ظروف در این دسته از سفالینه‌ها بسیار متنوع بوده و بیش از همه، کاسه با پایه بلند، بدنه کشیده و لبه صاف است (کیانی و کریمی، ۱۳۶۴: ۳۵). در میان سفال‌های مکشوف از شهر تاریخی ناتل تعداد ۷ قطعه سفال آبی و سفید به دست آمده که خمیره آن‌ها تماماً از گل رُس بوده و نقوش در بعضی قطعات قابل تشخیص نیست، اما تنها در یک قطعه نقش برگ مشاهده شده است، که این خود نشان دهنده این است که این ظرف از نقش مایه گیاهی برخوردار بوده است. طبق بررسی‌ها و مشاهدات دقیق بر روی قطعات مکشوف در این گروه تصور می‌شود که احتمالاً این قطعات مربوط به یک ظرف است. با توجه به مقایسه‌های انجام شده، این گونه از سفال‌های موجود در مجموعه متعلق به سده‌های هفتم تا نهم هجری قمری هستند (جدول ۱۳).

جدول ۱۳. سفال آبی و سفید (گل رُس)، (نگارندگان، ۱۳۹۸).

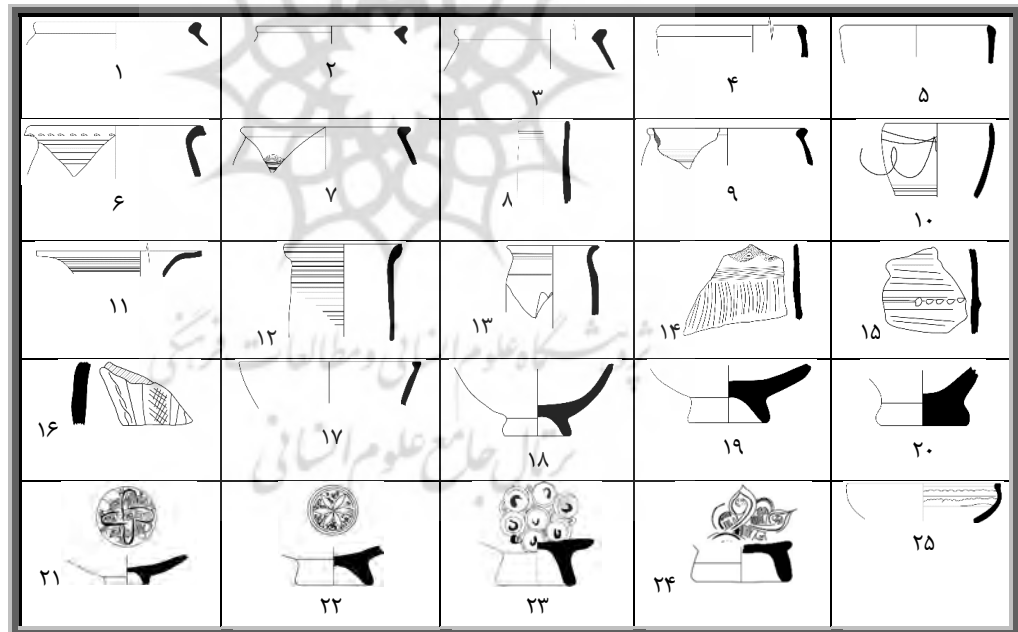
شماره ردیف	شماره طرح	نوع قطعه	قیمت (مق)	ملاک سنجش					مآخذ
				رنگ زمینه	رنگ پایه	طرح نقش	نقش مایه	رنگ تزئین	
۱	۳۶	بدنه	۹	*	*	*	*	*	موسوی حاجی و عطایی، ۱۳۸۹، لوح ۴۰، طرح: ۳۶، ص: ۲۴۸ Watson, 2004, 419, cat. S2, LNS 1035 Cc.
۲	۳۷	پایه	۸-۷	*	*	*	*	*	Grube, 1994, 380, 381, 382, cats. Q7, Q8, Q9

گاه‌نگاری سفال‌ها و تطبیق آن با منابع تاریخی درباره ناتل

جهت تاریخ‌گذاری آن دسته از نمونه‌های سفالین به دست آمده از شهر تاریخی ناتل که در اختیار نگارندگان قرار گرفته است، بعد از انجام گونه‌شناسی، هریک از گونه‌ها به صورت مجزا با نمونه‌های سفالین به دست آمده و تاریخ‌گذاری شده از مناطق دیگر مورد مقایسه قرار گرفتند. از جمله مکان‌هایی که سفالینه‌های آن‌ها قابل مقایسه با سفالینه‌های دوران اسلامی شهر تاریخی ناتل هستند، می‌توان به: بامیان، نیشابور، جرجان، امام‌زاده‌علی لفورک در سوادکوه، سرقلعه لواسان، سیستان، محوطه وستمین، محوطه گسکر گیلان، شمال غرب ایران، شرق ایران، محوطه اسبوکلا



تصویر ۱. تصاویر نمونه‌های سفالین مکشوف از شهر تاریخی ناتل (نگارندگان، ۱۳۹۸).

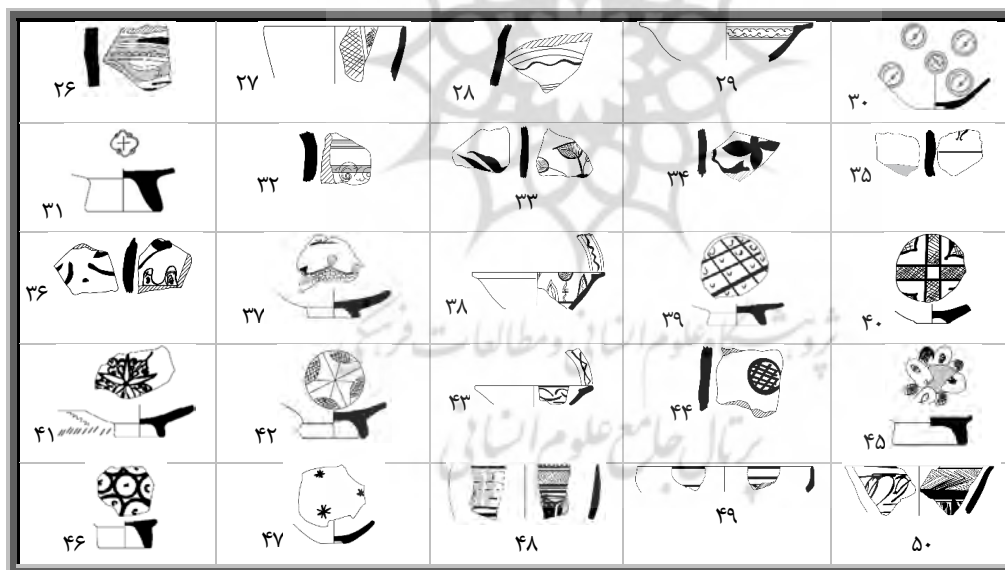


لوح ۱. طرح نمونه‌های سفالین مکشوف از شهر تاریخی ناتل (نگارندگان، ۱۳۹۸).

لفور، محوطه جهان‌نما و آسیای مرکزی اشاره کرد؛ علاوه بر این بعضی از نمونه‌های مورد مطالعه با سفالینه‌های به دست آمده از کشورهایمانند مصر، افغانستان و چین قابل مقایسه هستند؛ اما نمی‌توان وجود ارتباطات فرهنگی و سیاسی میان این سرزمین‌ها را صرفاً از طریق داده‌های سفالی تأیید کرد، مگر این‌که مواد فرهنگی دیگری وجود داشته باشد که این ارتباط را تأیید کند. نتایج حاصل از مقایسه‌های گونه‌شناختی سفالینه‌های دوران اسلامی به دست آمده از محوطه باستانی ناتل نشان‌دهنده آن است که این نمونه‌ها متعلق به قرون اولیه (سده‌های ۳ و ۴ ه.ق.)



تصویر ۲. تصاویر نمونه‌های سفالین مکشوف از شهر تاریخی ناتل (نگارندگان، ۱۳۹۸).



لوح ۲. طرح نمونه‌های سفالین مکشوف از شهر تاریخی ناتل (نگارندگان، ۱۳۹۸).

و میانی اسلامی (سده‌های ۵ تا ۹ ه.ق.) هستند و همین‌طور نمونه‌هایی که بتوان آن‌را متعلق به سده‌های ۱ و ۲ ه.ق. نسبت داد، در میان این سفالینه‌ها وجود ندارد. با توجه به این‌که تمام سفالینه‌های حاصل از فصول مختلف بررسی و کاوش ناتل در اختیار نگارندگان نبوده و پژوهش حاضر تنها براساس بخشی از سفال‌های فصول اول و دوم کاوش محوطه صورت پذیرفته است؛ گاه‌نگاری انجام‌شده نیز صرفاً در مجموعه حاضر اعتبار دارد. قدیمی‌ترین نمونه‌های مجموعه حاضر متعلق به سده‌های ۳ و ۴ ه.ق. است که از جهاتی با نمونه‌هایی از جرجان و نیشابور شباهت دارند. بنا به بررسی‌های صورت‌گرفته کهن‌ترین منبعی که نام ناتل در آن مطرح شده نیز مربوط

به سده چهارم هجری قمری است. در مجموع نمونه‌های سفالین دوران اسلامی شهر تاریخی ناتل از نظر گاه‌نگاری در بازه زمانی سده‌های ۳ تا ۹ ه.ق. جای می‌گیرند. با توجه به شواهد باستان‌شناختی و همچنین بررسی منابع مکتوب تاریخی که این شهر را مورد اشاره قرار داده‌اند می‌توان گفت که قدمت آن به سده‌های ۳ و ۴ ه.ق. باز می‌گردد. پس از انقراض حکومت پادوسباناتان توشط «شاه‌عباس صفوی» اعتبار و شهرت شهر نیز از بین رفته است و در نهایت این شهر در زمان صفویه به دلیل شکل‌گیری حکومت مطلق مرکزی و تغییر معادلات سیاسی، نظامی و اجتماعی برای همیشه متروک شده است؛ اگرچه در مجموعه مورد مطالعه نمونه‌ای از سفال‌های دوره صفوی وجود ندارد، اما در میان شواهد باستان‌شناختی و نمونه سفال‌های به دست آمده از ناتل نمونه‌های صفوی وجود دارد که گزارش‌ها، منابع تاریخی را تأیید می‌کند. چنان‌که کاوشگر محوطه ناتل بیان نموده، تعداد ناچیزی از انواع سفال دوره تیموری و صفوی نیز در چاله دورریز ارگ به دست آمده است (مهاجری‌نژاد، ۱۳۹۵: ۲۵۷).

نتیجه‌گیری

با استناد به مطالب مطروحه در پژوهش حاضر و همچنین طبقه‌بندی، گونه‌شناسی و مقایسه‌های گونه‌شناختی سفالینه‌های مکشوف از شهر تاریخی ناتل می‌توان گفت که در مجموع تعداد ۱۴ گونه و زیرگونه مختلف سفالین در این مجموعه وجود دارد. لازم به ذکر است که مجموعه سفال‌های ناتل از تنوع زیادی برخوردار نبوده و کیفیت ساخت سفال‌ها و نیز کیفیت تزئین سفال‌های اسگرافیاتو آن همانند مراکز عمده سفالگری ایران بوده؛ اما دیگر سفال‌های مکشوف از ناتل از نظر کیفیت تزئین، به‌ویژه نقاشی با رنگ - در مرتبه پایین تری قرار داشته‌اند. نتایج حاصل از مقایسه‌های گونه‌شناختی سفال‌های دوران اسلامی شهر تاریخی ناتل این‌گونه نشان می‌دهند که بیشترین میزان شباهت و ارتباط را با سفالینه‌های به دست آمده (خصوصاً سفالینه‌های منقوش و نقوش به‌کاررفته در آن) از محوطه‌های دوران اسلامی در شمال کشور دارد. لازم به ذکر است که شباهت‌هایی میان نمونه‌های سفالین به دست آمده از شهر تاریخی ناتل و کشورهای چین و افغانستان، مصر و چین وجود دارد، اما نمی‌توان وجود ارتباطات فرهنگی و سیاسی میان این سرزمین‌ها را صرفاً از طریق داده‌های سفالی تأیید کرد، مگر این‌که مواد فرهنگی دیگری وجود داشته باشد که این ارتباط را تأیید کند. به‌طور کلی نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهند که غالب نمونه‌های مورد مطالعه به سده‌های اولیه (۳ و ۴ ه.ق.) و میانی اسلامی (۵ تا ۹ ه.ق.) تعلق دارند، با این توضیح که نمونه‌های دوره ایلخانی و تیموری تعداد کمتری نسبت به سده‌های پیشین در این مجموعه به خود اختصاص می‌دهند؛ همچنین نتایج مطالعات آماری سفال‌های شهر تاریخی ناتل حاکی از آن است که این سفالینه‌ها از کیفیت ساخت نسبتاً خوبی برخوردارند، اما به لحاظ شیوه ساخت و تنوع نقوش از سطح پایین تری برخوردارند.

کتابنامه

- آلن، جیمز ویلسن، (۱۳۸۳). سفالگری اسلامی. ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- آملی، مولانا اولیاءالله، (۱۳۴۸). تاریخ رویان. تصحیح: منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن‌رسته، احمد بن عمر، (۱۳۶۵). الاعلاق النفیسه. ترجمه حسین قرچانلو، تهران: امیرکبیر.
- ابن‌فقیه همدانی، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق، (۱۳۴۹). البلدان. ترجمه ح. مسعود، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

- ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل، (۱۳۴۹). تقویم البلدان. ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم، (۱۳۴۷). مسالک الممالک. به کوشش: ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بغدادی، عبدالمؤمن بن عبدالحق، (۱۹۵۴). مراصد الاطلاع على اسماء الامکنه و البقاع. تحقیق: علی محمد البجاوی. ثلاث جزوات، بی جا: دار احیا الکتب العربیه، عیسی البابی الحلبی و شرکاه.
- تقوی، عابد؛ فلاح، میثم؛ و فرجی، آوا، (۱۳۹۲). «مطالعه گونه شناسی و گاه نگاری نسبی سفالینه های مکشوفه از مسجد جامع آمل». چکیده مقالات همایش ملی باستان شناسی ایران: دست آوردها، آسیب ها، بیرجند: دانشگاه بیرجند، ص: ۱۷۴.
- تقوی، عابد؛ موسوی حاجی، سیدرسول؛ عابدینی عراقی، مهدی؛ و خاکباز، انیسه، (۱۳۹۵). «مطالعه سفالینه های محوطه شاه نشین شهر تاریخی فریم». مجموعه مقالات همایش ملی باستان شناسی و هنر سفال و سفالگری، میانه: دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه، ۱۵ اردیبهشت ماه ۹۵، صص: ۵۳-۳۲.
- توحیدی، فائق، (۱۳۸۴). فن و هنر سفالگری. تهران: انتشارات سمت، چاپ سوم.
- جهانی، ولی، (۱۳۸۶). «گزارش باستان شناسی محوطه باستانی گسکر گیلان». رشت: سازمان میراث فرهنگی گیلان (منتشر نشده).
- چوبک، حمیده، (۱۳۷۶). «گزارش باستان شناسی کاوش قلعه پوئینک». تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان شناسی (منتشر نشده).
- حدود العالم من المشرق الی المغرب. (۱۳۷۲). ترجمه میر حسین شاه، تهران: دانشگاه الزهرا.
- خرازی، ابراهیم، (۱۳۸۶). «گزارش باستان شناسی حمام قدیم ماکو». تران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان شناسی (منتشر نشده).
- دمشقی، شمس الدین، (۱۲۸۱). نخبه الدهر فی عجایب البر و البحر. سن پترزبورگ: بی نا.
- سقایی، سارا، (۱۳۹۳). «شهرهای مازندران در گذار از دوره ساسانی به اسلامی با اتکاء به یافته های باستان شناختی». رساله دکتری رشته باستان شناسی با گرایش دوران اسلامی، دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- شریفی، عبدالمطلب، (۱۳۹۰). «گزارش کاوش محوطه جهان نما». ساری: پایگاه ملی فرهنگی و تاریخی فرح آباد ساری (منتشر نشده).
- شریفی، عبدالمطلب، (۱۳۹۶). «گزارش کاوش محوطه جهان نما». ساری: پایگاه ملی فرهنگی و تاریخی فرح آباد ساری (منتشر نشده).
- صدراپی، علی، (۱۳۸۶). «گزارش بررسی محوطه کاسه گر الموت». قزوین: پایگاه میراث جهانی الموت قزوین (منتشر نشده).
- ظفری، داود، (۱۳۷۹). تاریخ نائل (نگاهی به وقایع هزاره اول هجری جلگه نور). محمودآباد: مؤلف.
- عابدینی عراقی، مهدی، (۱۳۸۴). «گزارش کاوش محوطه لفورک سوادکوه». ساری: اداره کل میراث فرهنگی استان مازندران (منتشر نشده).
- عباس نژاد، رحمت؛ و ذال، محمدحسن، (۱۳۹۱). «تحلیل و گونه شناسی سفالینه های محوطه شمس آل رسول در آمل». نخستین همایش ملی هنر تبرستان، بابلسر: دانشگاه مازندران، صص: ۲۶۹-۲۵۶.
- ظفری، داود، (۱۳۷۹). تاریخ نائل (نگاهی به وقایع هزاره اول هجری جلگه نور). محمودآباد: مؤلف.

- کامبخش‌فرد، سیف‌الله، (۱۳۸۰). سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر. تهران: انتشارات ققنوس.
- کیانی، محمدیوسف؛ و کریمی، فاطمه، (۱۳۶۴). هنر سفالگری دوره اسلامی ایران. تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران.
- گروه، ارنست، (۱۳۸۴). سفال اسلامی. ترجمه فرناز حایری، تهران: نشر کارنگ، چاپ هفتم.
- مرتضایی، محمد، (۱۳۸۶). «گزارش کاوش شهر قدیم جرجان». گرگان: پایگاه میراث فرهنگی شهر قدیم جرجان (منتشر نشده).
- موسوی حاجی، سیدرسول؛ و عطایی، مرتضی، (۱۳۸۹). مطالعه مجموعه‌ای از نمونه‌های سفالین سیستان. زاهدان: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری سیستان و بلوچستان.
- مهاجری نژاد، عبدالرضا، (۱۳۸۷). «گزارش اولین فصل کاوش باستان‌شناسی شهر تاریخی ناتل نور». تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- مهاجری نژاد، عبدالرضا (۱۳۸۹). «گزارش دومین فصل کاوش باستان‌شناسی شهر تاریخی ناتل نور». تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- مهاجری نژاد، عبدالرضا (۱۳۹۵). «گزارش سومین فصل کاوش باستان‌شناسی شهر تاریخی ناتل نور». تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- مهاجری نژاد، عبدالرضا؛ کریمیان، حسن؛ و سقایی، سارا، (۱۳۹۶). «سازمان فضایی و گاه‌نگاری شهر ناتل با اتکاء به منابع تاریخی و شواهد باستان‌شناسانه». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره ۷، شماره ۱۲. صص: ۲۴۵-۲۵۹.
- مهرآفرین، رضا؛ روستایی، محمدصادق؛ و علایی مقدم، جواد، (۱۳۹۲). «سفال داغدار، سفال شاخص دوره اشکانی در سیستان ایران». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. دوره ۴، شماره ۶، صص: ۱۲۰-۱۰۵.
- نعمتی، محمدرضا، (۱۳۹۷). «گزارش کاوش سرقلعه لواسان». تهران: اداره کل میراث فرهنگی استان تهران (منتشر نشده).
- یوسفی، حسن، (۱۳۸۶). «گزارش باستان‌شناسی بقعه شیخ صفی اردبیل». تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- یوسفی، صفر، (۱۳۸۵). «جغرافیای تاریخی ناتل شهری فراموش شده». مجموعه مقالات در گستره مازندران، دفتر پنجم، به‌کوشش: زمین‌العابدین درگاهی و محسن علی‌نژاد قمی، تهران: نشر رسانش، صص: ۹۸-۹۰.

- Fehervari, G., (1998). *Pottery of the Islamic World in Tareq Rajab Museum*. Kuwait: Tareq Rajab Museum.

- Grube, E. J., (1994). *Cobalt And Luster, The First Centuries of Islamic Pottery*. New York: The Nour Foundation In Association With Azi Muth Editions and Oxford University Press Inc.

- Jenkins, M., (2006). *Raqqa Revisited: Ceramics of Ayyubid Syria*. The Metropolitan Museum of Art, New York.

- Watson, O., (2004). *Ceramics from Islamic Lands*. London: Thames & Hudson Ltd.

- Wilkinson, Ch. K., (1973). *Nishapur: Pottery of the Early Islamic Period*. New York: The Metropolitan Museum of Art.